



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

سال یازدهم

شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۳۴

شماره ۴۱۴۷

شماره مسلسل ۱۶۵

دوره هجدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۶۵

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه

۱۸ آبان ماه ۱۳۳۴

فهرست مطالب:

- ۱) طرح صورت مجلس
 - ۲) بیانات قبل از دستور آقای قنات آبادی
 - ۳) اعلام تصویب صورت مجلس
 - ۴) بیانات قبل از دستور - آقایان: قنات آبادی - سلطان مراد بختیار - حائری زاده
 - ۵) قرائت گزارش کمیسیون عرایض راجع با اعلام جرم علیه آقای احمد اعتبار
 - ۶) معرفی آقای دکتر سجادی بوزارت دارائی و آقای دکتر اردلان بوزارت صنایع و معادن و آقای کاشانی بوزارت بازرگانی بوسیله آقای نخست وزیر
 - ۷) مذاکرات در گزارش کمیسیون قوانین دارائی راجع بفروش خالصجات از ماده ۶
 - ۸) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه
 - جلسه يك ساعت و پنجاه دقیقه پیش از ظهر برباست آقای اردلان (نایب رئیس) تشکیل گردید
- ۱- طرح صورت مجلس**
نایب رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت می شود (شرح زیر قرائت شد)
غائبین با اجازه - آقایان: ارباب امید سالار - محمود ذوالفقاری - امامی خوئی - احمد فرامرزی - خزیمه علم - مصطفی ذوالفقاری - مسعودی - چلبونند - صراف زاده - سلطانی - معین زاده - دکتر نیرومند - مهندس جفرودی - نقابت خاکباز - عرب شیبانی - مهدوی غائبین بی اجازه - آقایان: اریه - مهدی - یارافشار - شفیعی - قوامی -
- اسفندیاری - مهندس شاهرخ شاهی - کبکگوسی
دیر آمدگان و زود رفتگان با اجازه - آقایان: احمد صفائی - نغمه الاسلامی - پیراسته - بزرگ نیا - حائری زاده - عباسی بهادری - بدالله ابراهیمی
نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه قبل نظری نیست؟
دکتر نیرومند - در صورت جلسه قبل اصلاحات عبارتی هست که اصلاح می کنیم و با اداره تند نویسی تقدیم میکنم
نایب رئیس - بسیار خوب دیگر نظری نیست؟ (اظهاری نشد) وقتی که

عده کافی شد تصویب صورت مجلس اعلام میشود .

۲- بیانات قبل از دستور آقای

قنات آبادی

نایب رئیس - حالا نطق های قبل از دستور شروع میشود. آقای قنات آبادی
قنات آبادی - بطور یقین وضعیت و موقعیت کشور ما بدلیل الحاق ایران بپیمان دفاعی بغداد در این چند روزه تا گذشته وضع خاص ونوی پیدا کرده است یعنی ایران از نظر سیاست خارجی و رویه ای که بالحاق پیاکت اتخاذ کرده دارای يك وضع نو و يك موقعیت جدیدی در دنیا گردیده است . البته در این جریان همه آن کسانی که معتقد بودند که بایستی ایران برای حال و آینده خود يك سیاست روشن و متین و صحیح و قوی در پیش بگیرد با این عمل موافقت کردند و من هیچوقت اهل ریا در سیاست نبوده ام (عبدالصاحب صفائی - صحیح است) و همیشه آنچه که درک کرده ام با کمال صراحت گفته ام يکي از کسانی بوده ام که موافق با این عمل بودم دلیل موافقت من و دوستان من هم بشمار است و چون موضوع گذشته و عمل انجام شده است پیرامون بیان همه آن دلایل نمیگردم اما يك مطلبی را لازم می دانم تذکر بدهم علت موافقت من این بود که من باین نتیجه رسیده بودم که در دنیا دفاع فردی مرده است (صحیح است) هیچ دولت و هیچ مملکتی ولو مقتدرترین دولتها یعنی دول معظم دنیا هم قدرت دفاع فردی را ندارند لذا دسته بندی های سیاسی ، نظامی ، دفاعی در تمام دو بلوک شرق و غرب وجود دارد و ما هم در این صحنه بر چنگال گیتی برای حفظ موجودیت خودمان باید بدنبال دسته بندی برویم

که با مصلحت و منافع ما نزدیکتر است رقتیم و اینکار را کردیم مطلبی را که امروز بنده میخواهم تذکر بدهم اینست که ما در الحاق بپیمان بغداد چگونه فکر میکردیم یعنی این پیمان دفاعی را چه جوری در نظر خودمان مجسم کرده بودیم و چه معنایی برای دفاع از خاک و وطن خودمان در نظر داشته و داریم البته در این چند روزه چه در جلسات خصوصی مجلس شورای ملی و چه دیروز در جلسه علنی مجلس سنا مطالبی که بعضی از روزنامه های فرانسوی راجع بایران نوشته بودند مطرح شده است نمایندگان محترم و آقایان سناتورها تذکراتی دادند دولت هم عملیاتی که انجام داده بود و تلگرافاتی که کرده بود یا جواب تلگرافاتی که از طرف نمایندگان ایران و مأمورین ایران در خارج رسیده بود بعرض نمایندگان سنا و شورازسانده و میرساند مطلبی که بنده لازم میدانم امروز در مجلس شورای ملی اعلام شود توجه همه ربابان جلب میکند اینست که الحاق ما به پیمان دفاعی بغداد برای دفاع از سر تا سر خاک کشور ایرانست (صحیح است) یعنی همانطوری که ممکن نیست یکی از دول بزرگ یا کوچک دنیا يك مقداری از خاک کشور خودش را بلا دفاع اعلام کند مملکت ایران و ملت ایران هم يك وجب از خاک کشورش را بلا دفاع اعلام نمیکنند (صحیح است) ما ملحق بپیمان دفاعی خاورمیانه برای آن شدیم که از ابتدای مرزهای شمالی تا انتهای مرزهای جنوبی همه در بست در معرض دفاع در مقابل تجاوز قرار بگیرد (صحیح است - احسنت) و آن نماینده ای که از طرف ما در کنفرانس وزرای خارجه وابسته بپیمان دفاعی بغداد شرکت میکند باید بداند که حدود ما در آن کنفرانس در حدود دفاع از سر تا سر کشور ایرانست (صحیح است - احسنت) بنابراین البته راجع باین موضوع بیشتر از این صحبت جایز نیست نظریات و کلامی ملت معلوم دولت هم

این مذاکرات مشروح صدر و شصت و هشتمین جلسه از دوره هجدهم قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

مبنی نظر رادار دشمن علیحضرت همایونی هم همین نظر را داشته اند قاطبه ملت ایران هم همین نظر را دارند و اما در حال آلوده ماجه بکنیم چه میتوانیم بکنیم وجه شخصی قادرند در شرایط فعلی کشور ایران و سیاست این مملکت را اداره کنند (عبدالصاحب صفائی - احسان اصل مطلب اینجاست) البته آقایان میدانند که بایستی بکارهای گران مردم کار دیده فرستیم که شیرشزه بر آرد بر زیر خم کنند همانطور که همه نمایندگان ملت و همه افراد مملکت معتقدند که در سیاست و موقعیت مملکت یک وضع نوویک سیاست نو و یک شرایط و امکانات نو وجود آمده است ما باید باین مطلب توجه کنیم که آیا آن کسانی که با اوضاع گذشته و با شرایط گذشته وضع ایران قبل از الحاق بیابان دفاعی خاورمیانه در این مملکت مصدر کار بودند و حکومت میکردند و هیچ عمل مثبتی نمیتوانستند انجام دهند آیا در این شرایط خاص و این وضع خاص بازم آنها قدرت دارند عمل کنند (عبدالصاحب صفائی - ابداً) بازم آنها ایالت دارند که این جرحها را بگریزاند و کشتی مملکت را از دریا برداشته و با یک عیب و عیب بساحل سلامت برسانند؟ بنده همان عرضم را تکرار میکنم و بازم میگویم که در چنین اوضاعی کشتی یعنی سکناندر های کشتی نور رستگاری نیست. دایل هم دارم آقایان نمیخواهم در این مورد عرض ورزی کنم غذا را گواه میگیرم جز حقیقت منظور دیگری ندارم این آقایانی که بنام دولت بر این صندلیهای کوچهکترین موقفتی نتوانسته اند بدست بیاورند وضع مردم برآب از گذشته بدتر شده است (صحیح است) چه برسد باینکه در کارها و امور آن بزرگان و مهم خارجی که مربوط با استقلال و رونق ماست بتوانند عمل مثبتی انجام بدهند (عبدالصاحب صفائی - موقفتی های خارجی را هم باید بحساب علیحضرت همایون شاهنشاهی گذاشت) اتفاقاً آقای صفائی بنده الان میخواستم این شعر را بخوانم که این همه آوازه آواز شه بود گرچه از حاقم آقای حسین علاء بود اینهمه برای اینکه شما بدین بنده میخواستم این مطلب را عرض کنم من با هیچ يك از آقایان غرضی ندارم و توقعی نداشته و نخواهم داشت اما آنچه که میگویم معتقدم که در این موقعیت خاص آقایان نمایندگان محترم مجلس تمام ملت ایران بایستی مجهز برای دفاع از حدود و تقویر و مرزوم بود کشور ما اگر ندانند (صحیح است) یعنی وضع حاضر دنیا ايجاب میکند که تمام ملتها بالاتفاق مهابی دفاع بشوند من از شما سؤال میکنم اگر لشکری بجهت جنگ رفت و سازوبرگ یا لوازم زندگی او ناقص بود یا اصلاً در اختیار نداشت آیا این لشکر و این ارتش قدرت مقابله با دشمن و

دفاع از مرز مملکت و مدافعه دارد تماماً خیر پس برای اینکه مملکتمان را مجهز بکنیم برای دفاع از مرز و بوم و خاک این کشور عزیز بایستی تمام افراد این مملکت مجهز بشوند نه خیال کنید بنده عرض میکنم که بایستی همه افراد این مملکت تفنگ بشانه بگیرند و در پشت سنگر بنشینند البته اگر روزی بای موجودیت مملکت ایران بوجود بیاید بر تمام آن کسانی که قادرند واجبست و فرض است که این عمل را بکنند اما مقصود من از اینست که حد اقل زندگی و معیشت برای همه مردم این مملکت تأمین بشود (صحیح است) ناانگیزه گرفتاری اینهمه بدبختی اینهمه دردمند اینهمه گرانی اینهمه ناراحتی از بین این مردم بر طرف نشود نمیتوان اعلام مردم را مجهز دانست یک خانوادگی موقمی میتواند عزیزانش را برای دفاع از مملکت مجهز و مسلح کند که آن خانواده حداقل روی آسایش و آرامش ابتدائی را بخود ببیند والا اگر بنا شود که ما یک عده ای جوانان خود را مسلح کنیم برای دفاع از وطن و این جوانان ما همیشه در اضطراب و التهاب از نظر معیشت داخلی زندگی عزیزانش باشند آنطوریکه بایند شاید ما موقفت بدست نخواهیم آورد (صحیح است) سعی میکنیم که سنگر های پشت جبهه دفاعی یعنی دلهای خانواده ها را مطمئن بکنیم و وسایل زندگی آنها را فراهم بکنیم یقین بدانید که مردم ایران در آن شرایط بهترین وجهی از مرز و بوم مادفاع خواهند کرد (صحیح است) بنده نمیخواهم در برامون همه ادعاهائی که دولت جناب آقای علاء در ابتدای کار در مجلس شورای ملی و وسیله تبلیغات و سایر وسایل بخورد مردم دادند صحبت بکنم و بگویم که شاید ادعاهائی داشتند و در این ادعا ها چقدر راستگو بودید و چه میزان راستگو نبودید اما قدر مسلم اینست که دولت نمیتواند بیاید و ادعا کنند و بگویند در این مدتی که بر مردم حکومت میکردم و مورد تأیید همه بودم شخص علیحضرت همایونی دولت را تأیید می کردند نمایندگان مجلس هم دولت را تأیید می کردند هیچ اشکالی ندارد و معتقد بودیم که این دولت قدرت عمل ندارد هر وقت تاز خوب یا لایحه خوبی بمجلس تقدیم داشت مادر صدر موافقین او قسراً گرفتیم (صحیح است) و در این راه هم لایحه های شنبید ما چون معتقدیم که کار خوب کردن و ملامت شنیدن هیچ اشکالی ندارد معتقد بودیم و این را هم باید آقایان بدانند که اقلیت معنائش این نیست که یک هدای لاج بکنند عتاد بورزند کینه بورزند و دشمنی بکنند ما نه دیروز با کسی دشمنی

داشتم و نه امروز با کسی دشمنی داریم و نه اینقدر بی منطق و بی استدلالیم که کار خوب را نپذیریم من وقتی می بینم که دولت یک لایحه ای بمجلس تقدیم داشته که این لایحه در سر نوشت فرد فرد هموطنان من مؤثر است در سلامتی آنها در زندگی آنها در روح کار آنها در حالت آنها و سلسله سوری آنها دخالت دارد و من وظیفه وجدانم اینست که باین لایحه موافقت بکنم. جناب عالی تمام شد

قنات آبادی - هنوز اول عشق است بنده هنوز خیلی حرف دارم

نایب رئیس - بسیار خوب بنظر تان چقدر وقت می خواهد؟

قنات آبادی - بیست ساعت

نایب رئیس - این خیلی زیاد است عکار های دیگری هم داریم یک ربع کافیت

قنات آبادی - اجازه میفرمائید چانه بزنم؟ بیست دقیقه اجازه بفرمائید ه دقیقه اضافه بفرمائید که بیست دقیقه بشود.

۳ - اعلام تصویب صورت مجلس

نایب رئیس - چون عده برای رأی کافی است ابتدا تصویب صورت جلسه را اعلام میکنم. حالا رأی میکنیم به بیست دقیقه ادامه صحبت آقای قنات آبادی آقایانی که موافقت قیام کنند (اگر برخاستند) تصویب شد بفرمائید.

۴ - بیانات قبل از دستور آقایان: قنات آبادی سلطان مراد بختیار حاضر یزاده

قنات آبادی - عرض اینست که نمیتوانستیم هیچ آدم منصفی هم هیچوقت نخواهد توانست که وقتی وظیفه دارد یک کار خوبی تأیید و تصویب لازم دارد تأیید و تصویب نکند ما وظیفه وجدانیمان مجبور بودیم یعنی محکوم بودیم که بلاجهت منع کشت خشکاش رأی بدهیم ما مجبور بودیم که وقتی دولت یک لایحه ای مبادود که کمک بفرهنگ مملکت بکند ما مجبور بودیم که رأی بدهیم (شوشتری - موظف بودید) با مردم وجدانمان مجبوریم در غیر اینصورت مادست از انتقادات و مخالفت با اعمال خلاف رویه برداشته ایم و نخواهیم داشت و حال هم که اعلام میکنیم که دست از انتقاد و مبارزه بر نمیذاریم باز هم میگوئیم هر وقت که دولت بخواند یک عمل مثبت خوبی بکند باز هم رأی سفید خواهیم داد دولت در ابتدای شروع بکار اعلام داشت که من می خواهم با فساد مبارزه کنم (یورسرتیب - حرفش را پس گرفت) هر وقت دولت حرفش را پس بگیرد من هم پس میگیرم (عبدالصاحب صفائی - پس نمیگیرم آتوقت مبارزه با فساد را خودمان

شروع میکنیم) حالا هم شروع کرده ایم. دولت اعلام کرد که من می خواهم با فساد مبارزه کنم و برای نمونه در چند اداره دو نفر را بعنوان مفسد منتظر خدمت کرد بد هم سراغ مفسدهای بزرگ جرات نکرد برود من مطلب را روز اول گفتم کابین دولت جرات اینست که سراغ مفسدهای بزرگ برود ندارد برای اینکه اگر بخواهد اینکار را بکند باید از خودش شروع بکند بعد هم در خلال عمل ما دیدیم که این فساد هائی که در این دستگاه هست اگر بیشتر از دستگاه های گذشته و بیشتر از دیگران نبوده کمتر از دیگران هم نبوده است بنده چند روز گذشته این را مخصوصاً میگویم که توقع کنم جناب آقای ذوالفقاری یاد داشت کند که ما این آرزوی ما را که او دارد از همه نمره هائی که دیگران دارند بهتر است انواع و اقسامی را در آورند که این معامله انجام شود و معامله با آن کمیانی انجام شود که سبب چهار صد هزار دلار قیمتش گران تر از این است و خود کنتور هم بتصدیق مؤسسات صلاحیتدار بین المللی نمره اش گرانتر از این جنت است چرا؟ (عبدالصاحب صفائی - برای اینکه کمیسیونش زیادتر هستیم) باز یک روزی از خیابان عبور میکردم برای رفتم در یک مغازه خواربار فروشی برای خرید پنیر صاحب آن مغازه بمن گفت که آقای رئیس خواربار فروشی بشنود این پنیر کنخ رویش نگذاشته و ما آنقدر میخریم سیری سه ریال و نیم میخریم بیاضه تومان ازمن گرفته ۱۲۰ تومان از دیگری گرفته (یورسرتیب - حق المبارزه گرفته) هزار تومان و فلان مقدار از فلانی گرفته است (خرازی - آقای قنات آبادی رئیس خواربار را اسمش را هم بفرمائید آقای سباهیوش که همه بشناسند) رئیس خواربار معلوم است گفتم چرا گرفته است گفت بنا گفته است یک مقداری چکی با ما بدهید اگر نه هر روز ماشما را بجرم گران فروشی جرم میکنیم و جریمه از شما دیگریم (دکتر شاهکار - آقای وزیر دادگستری گوش کنید) به ایشان مخصوصاً گوش میدهند آقایان در چندین قبیل (خرازی - راجع بگوش هم بفرمائید) یکی یکی عرض میکنم بنده راجع بتمام مظاهر مبارزه با فساد یکی یکی انگشت رویش میکنم (دردخش - دهنه را هم بفرمائید) البته همه آقایان از کارهای اداره لوله کشی و بن بستی که این اداره جاییه طی این مدت و تجولانی که در آن بوجود آمده و خسارت هائی که برای مردم پیش آمده و پول هائی که خرج شده اطلاع دارند و بارها موضوع لوله کشی تهران پشت این تریبون اعلام شده و مطالبی راجع بهش گفته شده است مخصوصاً توجه آقایان محترم را باین مطلبی که عرض میکنم جلب میکنم درو

چندی قبل اداره لوله کشی تهران اعلام منافعه میکنند که ما فلان مقدار کنتور آب لازم داریم باین شرایط باین مشمولات هر کس ارزانتر بیا فروشد باینجا میفروشد بکس عده ای از نمایندگان کمیانی های خواربار نشانندگی از طرف کمیانی ها در این منافعه شرکت کرده اند بنده منافعه از نظر مشخصات و از نظر قیمت نماینده یکی از کمیانی های آلمانی بوده است که بالغ بر سیصد هزار دلار از کمیانیهای دیگر و پیشنهاد های دیگر قیمت را کمتر نوشته است و در مقابل شرایط منافعه که دو سال فضا من می خواستند برای صحبت عمل کنتور میدهد و از بهترین مؤسسات بین المللی گواهی آورده و نمره ای را که او دارد از همه نمره هائی که دیگران دارند بهتر است انواع و اقسامی را در آورند که این معامله انجام شود و معامله با آن کمیانی انجام شود که سبب چهار صد هزار دلار قیمتش گران تر از این است و خود کنتور هم بتصدیق مؤسسات صلاحیتدار بین المللی نمره اش گرانتر از این جنت است چرا؟ (عبدالصاحب صفائی - برای اینکه کمیسیونش زیادتر هستیم) باز یک روزی از خیابان عبور میکردم برای رفتم در یک مغازه خواربار فروشی برای خرید پنیر صاحب آن مغازه بمن گفت که آقای رئیس خواربار فروشی بشنود این پنیر کنخ رویش نگذاشته و ما آنقدر میخریم سیری سه ریال و نیم میخریم بیاضه تومان ازمن گرفته ۱۲۰ تومان از دیگری گرفته (یورسرتیب - حق المبارزه گرفته) هزار تومان و فلان مقدار از فلانی گرفته است (خرازی - آقای قنات آبادی رئیس خواربار را اسمش را هم بفرمائید آقای سباهیوش که همه بشناسند) رئیس خواربار معلوم است گفتم چرا گرفته است گفت بنا گفته است یک مقداری چکی با ما بدهید اگر نه هر روز ماشما را بجرم گران فروشی جرم میکنیم و جریمه از شما دیگریم (دکتر شاهکار - آقای وزیر دادگستری گوش کنید) به ایشان مخصوصاً گوش میدهند آقایان در چندین قبیل (خرازی - راجع بگوش هم بفرمائید) یکی یکی عرض میکنم بنده راجع بتمام مظاهر مبارزه با فساد یکی یکی انگشت رویش میکنم (دردخش - دهنه را هم بفرمائید) البته همه آقایان از کارهای اداره لوله کشی و بن بستی که این اداره جاییه طی این مدت و تجولانی که در آن بوجود آمده و خسارت هائی که برای مردم پیش آمده و پول هائی که خرج شده اطلاع دارند و بارها موضوع لوله کشی تهران پشت این تریبون اعلام شده و مطالبی راجع بهش گفته شده است مخصوصاً توجه آقایان محترم را باین مطلبی که عرض میکنم جلب میکنم درو

توی این مملکت قانون مجازات کند و در بنده قانون نامه مردم حتی مجرمین هم باید مشمول از تعزیرات باشند عیب است برای یک مملکتی که توی خیابانش بزنند مردم را بکشند و او این که قتل عمد باشد او این که این خانین مملکت باشد خانین مملکت را باید بگریزند و جوی مسئول بگذارند (زنگنه - دارند عقب قائل میگرددند) جناب آقای عزیز اعظم زنگنه مادر برامون یک مطلب عالیتری صحبت میکنیم و آن اینست که نباید در بنده قانون اجازه بیدایش اینگونه اعمال داده شود آقایان ما شهرتانی برای چه میخواهیم؟ برای این که انتظامات درست باشد برای اینکه دزدی نشود برای این که سرقت نشود برای این که مال کسی را نزنند برای این که ب حقوق کسی تجاوز نکنند اگر بنا شود بروند دزدی بکنند مال مردم را ببرند جیب مردم را بزنند انتظاماتی هم نباشد همه این کارها را بکنند بعد ما می بگوئیم شهرتانی و قوای انتظامی در تعقیب هستند و دارند رسیدگی میکنند این چه اثر وجودی و چه اثر وضعی دارد ما از قوای انتظامی مملکت این انتظار را داریم که اجازه این اعمال را اصلاح کنند و نگذارند چنین صحنه هائی بوجود بیاید مطلب دیگری که می خواهم عرض کنم البته اگر نظر مبارک آقایان باشد در جلسه خصوصی گذشته من یک مطلبی گفتم الان هم در جلسه علنی تکرار میکنم صحبت بود و بعضی از آقایان نمایندگان محترم فرمودند که راجع بسنا مطلبی گفته نشود (صحیح است) بایستی قوه مقننه همیشه احترام هم دیگر را نگاهدارند یعنی اگر این امامزاده بی آبرو شود برای ما متولی ها و شمع روشن کن های گوشه و کنار امامزاده هیچ آبرو اعتبار باقی نمی ماند و من این مطلبی که عرض میکنم هیچ ارتباطی بمجلس ندارد خطایم با دولت است و با دولت کار دارم چون اگر قرار شود که این اعمال از طرف دولت تکرار شود و دولت ها تا این حد خود را بی قید بر اعزازات قانون بدانند وای بر این مملکت چند قانون دولت بمجلس سنا یرد توجه بفرمائید قانون اگر دولت میگردد آتاهائی که من بمجلس سنا بردم قانون نیست این دولت اقرار بجرم کرده است چون دولت حق ندارد هیچ کاری انجام بدهد بدون مجوز قانونی (عمیدی - نوری - یول تلفن را گرفته اند) حق ندارد هیچ یولی بگیرد بدون اجازه قانون حق ندارد هیچ حقوقی ببرد بدون اجازه قانون این قوانین که دولت بقول خودش برای تصویب بمجلس سنا ارسال داشته است (مهدوی - فرستاده برای اطلاع سنا) اجازه بفرمائید (عمیدی - نوری) نه آقا قناتسای تصویب کرده) آقای مهدوی مر اسله راجح ندارند مطرح

کندند (عمیدی نوری - وزیر مربوطه باید در جلسه علنی پشت تریبون قانون را تقدیم مجلس کنند) استدعا میکنم برایش بنده توجه کنید صحبت مجلس سنا در کارنامه ت آقای دولت باید این مطلب را روشن کند تا قبل از ارسال این قوانین بسنا درباره اینها چه فکری کرده؟ آیا بسنا فکر میکردند قانون است پس چرا بنده آمده که تصویب کنند و اگر فکر میکردند قانون نیست باید بدانند که هر عملی باستناد این قوانین کرده جرم بوده و باید تحت تعقیب قرار گیرد (صفائی - اصلاً چرا تبعیض کرده اند ما بقی قوانین را چرا نفرستاده اند چند قانون دیگر هم هست آن ها را هم باید بفرستند اگر نفرستند جرم است و اگر هم بفرستند جرم است) آقای دولت توجه فرموده که با ارسال قانون ملی شدن تلفون خوب این مطلب را توجه بفرمائید و مترقی ۴۰ الی ۵۰ تومان میفرخواستند و این طور خواهد شد و این جرمی است که دولت نسبت بمالیه مملکت مرتکب شده با ارسال قانون ملی شدن تلفون مجلس سنا بقول خودش این مطلب را تصویب تمام صاحبان سهام شرکت ملی تلفون علیه این دولت و دولت های گذشته شکایت خواهند کرد و تقاضای خسارت میکنند و بنده هم برای این که سرو صدا بخواهد بد حکمت رجوع خواهد شد و مقداری از مال مردم را ببل و بخشش خواهند کرد و این کار هم جرم میباشد (صفائی - صاحبان سهام اگر امروز نتوانند یک روزی اعلام جرم میکنند) و مطلبی که در آخرین لحظه عرض می خواهم تذکر بدهم این است که اگر بنا بشود دولت بقوانین و مصوبات قانونی احترام قائل نباشد این دولت قانونی نمی تواند باشد (صفائی - بفرمائید طافی و باغی) من با یاد تر گفتم

فروش منجر به تعطیل کارخانه و در نتیجه بیکار شدن عده زیادی کارگر که از این راه آسایش نمیکند میگردد.

بنابر این یکی از علل خرابی کارخانجات نداشتن مدیران فنی و بی اعتمادی بودن مدیران نسبت به متخصصین است و این آقایان مدیران علاوه بر این که خودشان معلومات فنی ندارند عده ای از بستگان و متوسلین خود را هم بعنوان مختلف با حقوق گزاف بکار - خانه تحویل نموده (دکتر مشیر فاطمی - کسی هم نظارت نمیکند) و بکنفره مندرس یا متخصص و کارگرنی را که چندین سال در رشته خود خدمت کرده و مجرب و مینماید کور کوران از دستورات وی اطاعت نماید. در این صورت معلوم است وضع ماشینهای کارخانجات چه خواهد شد.

اگر آقایان مدیران اطلاعاتی از این امر مهمی که مسئولیت آن را به عهده گرفته اند داشتند و فقط بنگر تا مینماید منافع شخصی خود نبودند - در آن موقعی که سهم یک هزار ریالی بجهت خرید ریال خرید و فروش میشد ذره ای هم بنگر تا مینماید آتی کارخانه میفرازد و برای مدرن کردن و تعمیر سیستم ماشین های کارخانجات چاره ای نمیدانید (دکتر مشیر فاطمی - ذخیره را که خورده اند) تا این سرمایه و ثروتی را که مردم بدست آنها سپرده بودند باینروز نینفند مدیران کارخانجات مدعی هستند در اثر صدور بشم و بینه و ورود بارچه های نخ و پشمی بکشور بکارخانجات زبان وارد شده و ادامه کار برای آنها مقدور نیست و باین بهانه عده ای کارگر را با داشتن چندین سال سابقه خدمت و چندین نفر عائله از کار بر کنار و بجای آنها با پرداخت روزانه ۱۰ الی ۱۵ ریال از اطفال خردسال استفاده مینمایند.

در صورتیکه بعقیده بنده منظر مدیران در این مورد صحیح نیست و اشکال عمدی که کارخانجات با آن روبرو هستند اینست که در اثر نداشتن کارهای مدیران سابق کارخانجات مانع هنگامی باشناخت و بانکها بدهکارند و در نتیجه ما باین وجود گزافی بابت نزل دیون خود بایستی بپردازند و از این بدتر سلب اعتماد ز روشندگان مواد اولیه است که حاضر نیستند باین موقعیتی که کارخانجات پیدا نموده اجناس خود را نسبه و با قیمت عادلانه در دسترس کارخانجات بگذارند. و همین سبب اعتماد و خودداری صاحبان کالا از فروش بکارخانجات باعث شده که مدیران نتوانند بوضع مواد اولیه و مایحتاج کارخانه را خریداری نمایند و باین کندی مجبورند نیازمندیهای خود را روزانه بوسیله عده دلال و از دست دوم و سوم با قیمت گزافی خریداری کنند.

بنابر این چنانچه کارخانجات سرمایه و موجودی مشخصی داشته باشند که بتوانند

مواد اولیه سالیانه خود را در فصل مین و بوقوع از فروشندگان دست اول خریداری کنند و علاوه نزول های گزافی هم باشناخت و بانکها ندهند بنده با حساب دقیق و ساده ثابت خواهم نمود که نه فقط ضرر نخواهند کرد بلکه مسلماً منافع عایدشان خواهد شد.

و اینک برای روشن شدن ذهن آقایان محترم دو حساب از دو کارخانه یکی ریسندگی نخ و دیگری بافندگی پشم به عرض میرسانم.

در کارخانجات ریسندگی نخ هر بقیه احتیاج به ۵۰ کیلو پنبه دارد که اگر صدی ۵۰ پنبه قیستانی و صدی ۵۰ پنبه بومی مصرف کنند حداکثر قیمت ۵ کیلو پنبه از دونوع فوق ۱۷۰ ریال خواهد شد.

اجرت و سایر هزینه های متفرقه ای که بیک بقیه نخ تعلق خواهد گرفت در کارخانجاتی مانند وطن - شهناز - ناهید که ماشینهای آنها مدرن است با حساب دقیق بیش از حداکثر ۲۵ ریال نیست ولی بادر نظر گرفتن فرسودگی ماشینها و سیستم غلط کار در سایر کارخانجات این اجرت و مخارج را ۶۵ ریال حساب میکنیم و بنا بر این هر بقیه نخ ۲۳۵ ریال برای کارخانه تمام خواهد شد.

در صورتیکه ما اکنون نخ خام را در بازار بقیه ای ۳۰۰ ریال میفروشند.

در کارخانجات ریسندگی پشم در این کارخانجات وضع کار و تولید محصول متفاوت است و بنده برای نمونه یک نوع آن را ذکر میکنم و بقیه نیز به همین منوال خواهد بود.

مثلاً بتوی خشتی وزا کارت را که اکثر آقایان کم بیش از قیمت آن اطلاع دارند مدتی عمل فراموشید.

برای یک بتوی وزا کارت یا خشتی حد اکثر ۵ کیلو پشم لازم است که از این ۵ کیلو ۲ کیلو پشم آن برای بافت بتوی بکار می رود و ۲ کیلو پشم دیگر بصورت ضایعات در می آید که مقداری از این ضایعات به مصرف بافت بتوهای سر بازی و مقداری هم در بارچه های درجه ۲ و ۳ بکار می رود خاک پشم آن هم برای خاشاک زراعتی بفروش میرسد.

اینک صرف نظر از وجوهی که از این دو کیلو پشم ضایعات بدست می آید اگر فرض کنیم برای بافت بتوی ششم خراسانی اعلام مصرف کنند قیمت ۵ کیلو پشم خراسانی بر طبق اعلامیه بانک ملی از قرار هر کیلو ۸۰ ریال ۴۰۰ ریال میشود و برای بافت یک بتو ۳۵۰ ریال اجرت بکارگر پرداخت میشود و اگر ۶۵ ریال هم برای تمام هزینه های دیگر حساب کنیم بهای یک تخته بتو جمعاً میشود ۵۰۰ ریال در صورتیکه هم اکنون بتوی خشتی را هر تخته ۶۰۰ ریال و بتوهای زاکارت را در حدود ۱۰۰۰ ریال بفروش میرسانند.

و اما لازم میدانم چند کلمه ای هم در مورد رفتار مدیران کارخانجات بکارگران بعرض برسانم زیرا آقایان مدیران همیشه یک قسمت از خرابی کارها را متوجه کارگران مینمایند.

در کارخانجات اصفهان حداقل ۱۰۰۰ نفر کارگر مشغول کار هستند که برخلاف سایر کارخانجات شهرهای دیگر حتی تا کنون حداقل دستمزد نیز با آنها داده نشده و حقوقی که بکارگران پرداخت میشود با استثنای یک عده سرکارگر و متخصص که از منسوبان مدیران هستند خدمت متوسط حقوق یک نفر کارگر سابقاً ساعت هم اضافه کار با آنها یکی دو کارخانه بقیه دونوبت ۸ ساعته کار میکنند و همان حقوق ناچیز عایدشان میگردد متأسفانه در بعضی کارخانجات سه چهار ماه است همین حقوق قبلی هم بکارگران پرداخت نشده است.

بنده سؤالی در این باره از جناب آقای وزیر کار نموده ام که امیدوارم در موقع خود جواب قانع کننده بفرمایند ولی چون ممکن است پاسخ این سؤال بطول انجامد می خواهم بدانم کارگری که روزی ۲۵ ریال دستمزد میگیرد و یکریال آن را هم برای بیمه های اجتماعی کسر میکنند چگونه با ۲۴ ریال حقوق میتواند چهار ماه بدون دریافت دیناری از کارخانه زندگی نماید.

البته این ۲۵ ریال حد متوسط حقوق کارگران است و در میان آنها کارگرانی هم هستند که روزانه فقط ۱۰ الی ۱۵ ریال دستمزد دریافت میکنند حال اگر این بدبخت ها برای احقاق حق خود لب بگشایند آنها را بنام اخلاک و ماجراجو از کارخانه اخراج و تحت تعقیب قرار میدهند و هیچ فکر نمیکنند شکم گرسنه ایمان ندارد.

سابقاً این کارگران وضع بهتری داشتند یعنی با پرداخت چهار درصد از حقوق خود برای حق بیمه کم کم ازدواج و کمک نوزاد و کمک عائله مندی و غیره دریافت مینمودند ولی اکنون با اینکه صدی ۵۰ از حقوق آنها بابت حق بیمه کسر میشود و در دریافت تمام مزایای سابق محروم گردیده اند و گو بیاغت هم اینست که اولاً قریب ۳ میلیون تومان کارفرمایان از حقوق کارگران بابت حق بیمه کسر نموده ولی این مبلغ را بسا ازمان نبرداخته اند و ثانیاً پس از افزایش حق بیمه از صدی ۸ صدی ۱۰ کارفرمایان حاضر بپرداخت آن بسا ازمان نشده اند چون وزارت کار و سازمان بیمه های اجتماعی هم از عهده وصول آن برنیاورند دستور دادند قسمتی از مزایای کارگران قطع شود.

بنده از جناب آقای وزیر کار میپرسم آیا کارگر کارخانه اصفهان با کارگر کارخانه چیت سازی بشهر و شاهی و دغانیات چه

تفاوتی دارد که آنها بایستی از مزایای بیمه های اجتماعی و سایر حقوق خود محروم گردند (موسوی - تمام مزایا مال تهران است)

بلی ملاحظه بفرمایند وضع کارخانجات بچه صورتی در آمده است.

آن طرز خرید مواد اولیه و فروش جنس و اینهم طرز رفتار مدیران با کارگران و آن هم طرز عمل سازمان بیمه های اجتماعی و از همه بدتر اختلافاتی است که بین مدیران کارخانجات وجود دارد و در نتیجه بعضی تحریکات دو کارخانه در حال تعطیل میباشد.

بظوریکه شایع است کارخانه ریسندگی بر اثر تحریک اشخاصی که در نظر دارند سهام آنرا بقیمت نازلی خریداری کنند تعطیل شده (دکتر جزایری - وزارت دارایی هم در این تحریکات وارد است) (دکتر مشیر فاطمی - خود صاحبان کارخانه ها هستند که تحریک میکنند) (دکتر جزایری - بیان خودت خود وزارت کار تحریک میکنند) و در مورد کارخانه دوم خوب بیاد دارم مدیر آن در زمان جنگ که بقیه نخ به ۱۶ تومان رسید بود هر ماه قریب ای خریداری میکرد و اینک بعذر اینکه کارخانه ضرر مینهد دستور تعطیل آن داده و باین وسایل موجبات نارضایتی کارگران را فراهم نموده است.

در نتیجه این تعطیلات هر روز دامنه اختلاف مابین کارگر و کارفرما توسعه مینماید تا بجایی که زحمت دولت را فراهم نموده و اینک مدتی است وقت اعضای دولت صرف پیدا کردن راهی برای حل این مشکل شده است.

خوشبختانه بنا بودن جناب آقای ذوالفقاری ریاست استانداری اصفهان و حسن تدبیر ایشان تا کنون از بروز فتنه ها و هرج و مرج در کارخانجات جلوگیری بعمل آمده است.

در هر صورت با در نظر گرفتن موفقی حساسی که شهر کارگری اصفهان دارد و زیان که ادامه تعطیل کارخانجات دربر فرض بدهد ۲ میلیون تومان است در صورتی که در این مملکت ماه ۱ میلیون نفر زارع داریم و آن بیچاره ها قدرت ندارند که اعمال نفوذ کنند و در توی شهرها بیایند قرض بگیرند بنده استدعا میکنم که دولت یک فکری برای تمام کشاورزان بکند نه این که فکر کنید بنده فقط برای حوزه انتخابیه خودم عرض میکنم برای تمام ولایات عرض میکنم

نایب رئیس - بنده میخواستم تمنی کنم که اگر آقایان نمایندگان محترم سنی بفرمایند که در روزهای جلسه وقت خودشان را بکارهای دیگر اختصاص ندهند

لذا برای این که باین چار و چوبال خانه داده شود بنظر بنده بهترین راه اینست که دولت سازمان یا مؤسسه ای در اصفهان یا سرمایه لازم تأسیس کند تا با استفاده از کمک های مادی و اطلاعات فنی و نظارت دقیق آن مؤسسه کارخانجات بتوانند مواد اولیه و مایحتاج خود را با نازلترین قیمت تهیه و محصول خود را نیز با نازلترین قیمت و در آن زمان بفروش برسانند تا باین ترتیب دیگر مجالی برای تقاضای دریافت وام از طرف مدیران کارخانجات باقی نماند (دکتر مشیر فاطمی - زیر بار نروند الا ان جلسه شده است) یک عرض دیگری داشتم و آن راجع بوضعیت محصول استان دوم بود مخصوصاً در چهار مجال بختیاری که امسال هفتاد در صد محصول آنجا را آفت زده است و بنده آن چه که بوزارتخانه ها مراجعه کردم دیر روز هم جناب آقای دکتر امینی تشریف داشتند مدتی با آقای نخست وزیر در همین موضوع مذاکره کردم ولی متأسفانه جوابی که برای مردمان بشود آن جواب را من نشنیدم، اداره غله نوشته است چون غله و نان شنبه ای در آن شهر ندارد از این جهت نمیتواند نان مردم آن محل را تأمین کند پس معلوم میشود که نان این مردم را دولت افغانستان باید اداره نماید که به بانک کشاورزی مراجعه می کنم میگویم من آنچه لازم کم است یعنی سرمایه ندارم و نداشتن سرمایه باعث میشود که این رعایای بدبخت ناچار میشوند که امسال یاهر سالی که محصولشان بد است قرض کنند و برای یکسال صد درصد نزل بدهند و بانک کشاورزی باین آقایان پول نمیدهد الا برای این که تمام صندوقهای کشاورزی (دکتر جزایری - پس پولهایش راجع میکند ماشین شکسته میگرد) عرض میکنم

نایب رئیس - آقای بختیار وقت شاتمام شد

سلطانمرد ادب خیار - اجازه بفرمایند دو دقیقه دیگر تمام میشود، اما یولها قربان بانك کشاورزی شاید برای مالکین بزرگ پول دارد ولی تمام سرمایه ای که در اختیار صندوق روستائی است که میتوان برعابا فرض بدهد ۲ میلیون تومان است در صورتی که در این مملکت ماه ۱ میلیون نفر زارع داریم و آن بیچاره ها قدرت ندارند که اعمال نفوذ کنند و در توی شهرها بیایند قرض بگیرند بنده استدعا میکنم که دولت یک فکری برای تمام کشاورزان بکند نه این که فکر کنید بنده فقط برای حوزه انتخابیه خودم عرض میکنم برای تمام ولایات عرض میکنم

نایب رئیس - بنده میخواستم تمنی کنم که اگر آقایان نمایندگان محترم سنی بفرمایند که در روزهای جلسه وقت خودشان را بکارهای دیگر اختصاص ندهند

کارهای مجلس خیلی پیش میرود ولی غالباً اجازه میخواهند برای مرخصی و داده هم میشود ولی انصاف هم این است که روزهای جلسه را اختصاص بکارهای خود مجلس شورای ملی بدهند. آقای حائریزاده بفرمایند.

حائریزاده - قبلاً دوسه کاغذی که رسیده چون مطلبش حسابی است میخواستم خلاصه اش را بعرض آقایان برسانم و بعد تقدیم مقام ریاست بکنم، بنامه از طرف انصرهای قشونی است که شکایت از تبعیض دارند اوضاعی که در قشون هست باینک اصل مسلم رویش عمل نمیشود اگر باید تا فلان سن متقاعد بشوند چرا بعضی که متقاعد هم میشوند بر میگرددن بسرکارگر نباید متقاعد بشوند چرا یک عده ای را بزور متقاعد می کنند همچنین سایر تبعیض هایی که شده شرحی شکایت کرده اند و من یک نام و درود هوار ایکی از ضررهای بزرگ مملکت می دانم قشونی یا کشوری یا قضایی اینها ه کارمند مملکت هستند باید یک اصلی مردمان بشود آن جواب را من نشنیدم، اداره غله نوشته است چون غله و نان شنبه ای در آن شهر ندارد از این جهت نمیتواند نان مردم آن محل را تأمین کند پس معلوم میشود که نان این مردم را دولت افغانستان باید اداره نماید که به بانک کشاورزی مراجعه می کنم میگویم من آنچه لازم کم است یعنی سرمایه ندارم و نداشتن سرمایه باعث میشود که این رعایای بدبخت ناچار میشوند که امسال یاهر سالی که محصولشان بد است قرض کنند و برای یکسال صد درصد نزل بدهند و بانک کشاورزی باین آقایان پول نمیدهد الا برای این که تمام صندوقهای کشاورزی (دکتر جزایری - پس پولهایش راجع میکند ماشین شکسته میگرد) عرض میکنم

نایب رئیس - آقای بختیار وقت شاتمام شد

سلطانمرد ادب خیار - اجازه بفرمایند دو دقیقه دیگر تمام میشود، اما یولها قربان بانك کشاورزی شاید برای مالکین بزرگ پول دارد ولی تمام سرمایه ای که در اختیار صندوق روستائی است که میتوان برعابا فرض بدهد ۲ میلیون تومان است در صورتی که در این مملکت ماه ۱ میلیون نفر زارع داریم و آن بیچاره ها قدرت ندارند که اعمال نفوذ کنند و در توی شهرها بیایند قرض بگیرند بنده استدعا میکنم که دولت یک فکری برای تمام کشاورزان بکند نه این که فکر کنید بنده فقط برای حوزه انتخابیه خودم عرض میکنم برای تمام ولایات عرض میکنم

نایب رئیس - بنده میخواستم تمنی کنم که اگر آقایان نمایندگان محترم سنی بفرمایند که در روزهای جلسه وقت خودشان را بکارهای دیگر اختصاص ندهند

دکتر آراسی طبق قانون اساسی روی سه پایه گذارده شده، یکی قوه مقننه است، یکی قوه مجریه یکی قوه قضاویه است و هر کدام اینها برای این که بتوانند انجام وظیفه کنند یک مصونیت های قانونی برای آنها هست و کلاً را نمی شود بدون جهت حکومت بگیرد توقیف کنند یا بد سلب مصونیت و کپل از مجلس تقاضا بشود تا برود توقیف کنند و وزیر را بیخود نمیشود بگیرند توقیفش میکنند مگر آنکه تشریفات در مجلس عمل بشود بفرستند بمعمله قضایی را بی جهت نمیشود بگیرند توقیف کنند قاضی مصونیت دارد (صحیح است) در چند سال پیش که هنوز پیرا کشته بودند جماعتی را گرفتند من جمله بنده را هم گرفتند برای تحقیقات من حاضر نمیشدم میگفتند سلب مصونیت قضایی از من نشده حال چون من متقاعد شده ام مانعی نمی بینم و میتوانم بگیرند (دوستانم - حالا هم وکیل مجلس هستند) و کپل را حالا توی حکومت نظامی میگیرند پشت گردنش میزنند و اهمیت نمیدهند من آن موقع مقاومت کردم مدتی که در حبس بودم گفتم حاضر نیستم جوابی بدهم مگر اینکه بداد گسترى بنویسید محکمه عالی انتظامی اجازه تعقیب بدهد تا من جواب بدهم و الا جواب نمیدهم من شنیدم (خدا کند دروغ باشد) که یکی از مستشاران استیفا طهران را دو سه روز بیشتر کمتر نمیدانم در فرمانداری نظامی برده اند توقیف کرده اند، کتک زدند و مسلم محکمه انتظامی سلب صلاحیت از او نکرده است این را بمن گفته اند و من هنوز جزئیات آن را تحقیق نکرده ام میخواستم صحبت کنم دیدم جناب آقای دکتر امینی تشریف آورده اند خواستم ببینم حقیقه راست است یا دروغ است؟ ببینم وزیری که این اندازه برای حفظ قوه قضاییه با داعی خودش ان کوشش میکند و بقول یکی از رفقا قوه متفکره این آقایان هست چه اقدامی کرده این اصل مسلم است که حکومت ظالم فردی رجحان دارد ب حکومت هرج و مرج اگر هرج و مرج و آنارشی باشد تا بیک قدری باشد قلدر آقاسی حکومت را بدست بگیرد این مرضی جماعت است ولی دنیای امروز حاضر نشده که حکومت های قلدر آقاسی باشد تمام جنگهایی که دنیا با روسها دارد سر حکومت قلدر آقاسی است که یک عده ای بر یک ملت بزرگی فرماندهی میکنند باید آزادی باشد یک حکومتی باشد که ملت انتخاب کرده باشد این نوع حکومت را دنیای امروز نمیتواند قبول داشته باشد دعواها سر این جمله است که یک حکومتی که چند صد میلیون نفوس تحت قبضه اوست این حکومت مبعوث از طرف ملت نیست اقلیتی است که حکومت میکند را اکثریت و این حرف حسابی است که

اگر روسیه این اشکال حل بشود بهترین حکومت های دنیا است ولی اشکال طوری است که قابل تحمل نیست دنیا نمیتواند این را تحمل کند در ایران ما من هر چه فکر میکنم اسم وضع حکومتان را چه بگذاریم عقلم بجائی نمیرسد بیشتر اصطلاح شتر مرغ بود وقتی که میگفتند تخم بگذاریم بگفت شتر مرغ وقتی میگفتند که بار ببر میگفت من مرغم، اینجا یک ناطقی پیش از بنده فرمایشی فرمودند و من فکر کردم دیدم حرفهایشان صحیح است ولی من با همین مخالفم، مذاکره دولت بود که این آقایان که اینجام میشنید امر و یک مسطوره ای فرستاده اند اینجا اینها مرد اصلاحات نیستند مرد تحول نیستند (صفائی - باقی هم از نمونه و مسطوره نیستند عقب تر هستند) در ضمن فرمایشاتشان فرمودند این همه آوازها از شه بود خیلی خوب منهم تصدیق میکنم همین حمله است که آیا صلاح مملکت هست که اینچور باشد یا بآخر من چند دقیقه خدمت اعلیحضرت شرفیاب شده در اطراف همین موضوع صحبت کردم، عرض کردم خدمتشان که در دنیا علمای حقوق که نوشته اند کتابها نوشته اند و بحثها کرده اند تاریخ رسیده اند با بنظر حکومت دمکراسی که رئیس مملکت باید یک مقام مقدسی داشته باشد این فلسفه داشته بی فلسفه نبوده است اگر یک حوادثی پیش آمد کرد یک وزیری ممکن است مال المصالحه بشود که این وزیر فلان کار غلط را کرده است او را ببرند و محاکمه کنند و تعقیب کنند پدرش را در بیاورند که چرا این کار را غلط کرده این عمل خلاف قانون را انجام داده یک مرتبه موضوع مهمتر شد فشار بیشتر شد ممکن است یک هیئت دولتی را تعقیب بکنند مجازات بکنند که شما چرا اینکار را کرده اید اینکار در دنیا سوابق خیلی زیادی دارد اگر اینکار خیلی بزرگتر شد که مجلسین هم در آن کار ممکن است وارد باشند منزل میشوند، ما دیدیم در جنگ بین المللی کشمکش هوافشارها بجائی رسید که از مجلس ایران یک عده ای مهاجرت کردند و مجلس منحل شد در دوره سابق بود که جناب دکتر مصدق اختیاراتی که گرفته بود و آن جریانها پیش آمد مجبور شدند که مجلس را منحل کنند که مملکت حالت عادی پیدا بکند، از حال بحرانی خارج شود ولی اگر قدر نهادست شخص اول مملکت باشد و این مملکت هم که همیشه در معرض حوادث هست وقتی خطر برای شخص اول مملکت پیش آمد رشته مملکت گسیخته میشود و این صلاح مملکت نیست صلاح رئیس جمهور و پادشاه مملکت نیست که او کار مسئولیت دار را قبول کند وزراء باید مسئول باشند و پادشاه را در بیاورند این گفته دینهمه آوازه از شه بود، که آقایانم تصدیق

دارند بنده هم تصدیق میکنم اشکال منضم همین است که این وضعیت ایجاد مسئولیت برای ما میکند باید این مسئله حل شود من میخواستم صورت مجلسی را که در دوره ۱۷ راجع باین موضوع تهیه شده بود و بحثهایی که شده بود باوردم پشت تریبون بخوانم در اطراف همین جمله گفتگویی شده بود بین دربار و دولت وقتی جناب دکتر مصدق رئیس دولت بود در مجلس صحبت کردند که دولت می گوید من وقتی اختیارات در تمام مسائل نداشته باشم نمیتوانم قبول مسئولیت بکنم موافقی که توی این شهر یک ماهی شوی شد و شلیک کردند و یک عده ای را کشتند بدستور رئیس نظمی رئیس دولت پشت تریبون آمد گفت من مسئول نیستم برای اینکه رئیس شهر بانی را اعلی حضرت انتخاب کردند در صورتی که دروغ میگفت (شوشتری - دروغ می- گفت) مدعی یک عده ای آمدند در خفا ایشان را اینجا آوردند و گفتند باید اختیارات داده بشود تا دولت بتواند در مملکت کار کند ، در سر همین کار که کشمان شروع شد و این جریان رسید تا آنجائی که رئیس دولت آمد و گفت اگر اختیارات من کامل نباشد نمی توانم کار کنم و در مجلس پیشنهادی کردند که چند نفری بیرون و این اختلاف بین دولت و دربار را ببینند موضوع چیست وحل کنند بیک صورتی بدینسانه بنده هم جزو آن هشت نفر انتخاب شدم رفتم خدمت اعلی حضرت رسیدیم راجع بآن موادی که جناب دکتر مصدق بیان داشتند صحبت کردیم ایشان هم موافق کردند فرمودند از وقتی که این دولت آمده من در این کارها بیگانه طبق قانون حق خودم میدانم دخالت نکرده ام و یک شرحی نوشته شد و توافق شد که مصدق آن شرح را تقاضا داشت و اعلی حضرت هم قبول کردند و آن کمیسیون هم رابطان کل بود من یکدفعه بیشتر حضور اعلی حضرت نرسیدم ما که آمدیم دیدیم این درست نیست چرا برای اینکه راست است مامتقدم مقام شاه مقدس است و او در کارهایی که عمل اجرائی در آن هست نباید دخالت کند وزیر مسئول باید دخالت کند و زیر است که مسئول مجلس است در سنه هم تصدیق میشود ولی رئیس دولت هم نباید اختیارات قانونگذاری بکند و هر کاری که میخواهد بکند ما دیدیم یک دیکتاتوری عجیب و بی بند و باری پیش میآید که به مصلحت نیست این بود که با آن اختیارات ما در مجلس مخالف بودیم چند نفری بودیم که مخالفت کردیم با اختیارات ایشان موافق بود و رای هم داد که بگفته ام آمدند شب رختخواب انداختند در مجلس ، یک عده متملقینی که روز قبل ایشان خبر نداده بودند که کردند که چرا بامام خبر ندادیم که ما هم باینجا اینجا متحصن بشویم برای

اختیارات رئیس دولت ولی در سنه اکثریت موافق نبود با اختیارات ایشان و اعلی حضرت بجه نظر بود نصیحت دادند بسنا توراها که شما هم موافقت کنید و این اختیارات داده شود ، ما دیدیم که این رویه ای که یک دیکتاتور بی بند و بار در مملکت درست کردن این بصلاح ملت و مملکت نیست ، اعلی حضرت راجع باین گزارش هشت نفری موافق بودند ما مخالفت کردیم ، مجلس را معطل کردیم ، گفتیم این قابل طرح نیست ، آمدند این را بصورت طرح قانونی در آوردند و آوردند مجلس که ما نگذاشتیم برای برسد و مجلس را تعطیل کردیم که تعطیل شد و رسید به آنجا هائی که رسید (شوشتری - آنها کی بودند آن هشت نفر؟) آن هشت نفر تصور میکنم آقای مکی بود آقای دکتر بقائی بود آقای سنجابی بود آقای زبیر زاده بود بنده بودم ، حاج آقا رضا رفیع بود (جلیلی - آقای گنجه ای بود) آقای گنجه ای بود ، آقای دکتر معظمی بود آقای بهرام مجد زاده و کیل کرمان بود آقای رئیس - آقای حائری زاده وقت شما تمام شده

حائری زاده - من خیلی حرف دارم اجازه نفرمائید امروز حرف بزنم پس فردا حرف بزنم ، آن صورت مجلس را هم میآورم بعد حرف بزنم

نایب رئیس - وارد دستور میشود، یک گزارشی از کمیسیون عرایض رسیده که مطابق مقررات نظامنامه قرائت میشود و بعد کمیسیون دادگستری فرستاده میشود (حسب بختیار اجازه میفرمائید) بفرمائید

حسب بختیار - یک نامه ای است از طرف کارمندان دود پایی دولت که بوسیله بنده فرستاده اند که بمقام ریاست تقدیم میکنم

نایب رئیس - بسیار خوب (قنات آبادی - آن لایحه کارمندان دود پایی که نوشته شد و توافق شد که مصدق آن شرح را تقاضا داشت و اعلی حضرت هم قبول کردند و آن کمیسیون هم رابطان کل بود من یکدفعه بیشتر حضور اعلی حضرت نرسیدم ما که آمدیم دیدیم این درست نیست چرا برای اینکه راست است مامتقدم مقام شاه مقدس است و او در کارهایی که عمل اجرائی در آن هست نباید دخالت کند وزیر مسئول باید دخالت کند و زیر است که مسئول مجلس است در سنه هم تصدیق میشود ولی رئیس دولت هم نباید اختیارات قانونگذاری بکند و هر کاری که میخواهد بکند ما دیدیم یک دیکتاتوری عجیب و بی بند و باری پیش میآید که به مصلحت نیست این بود که با آن اختیارات ما در مجلس مخالف بودیم چند نفری بودیم که مخالفت کردیم با اختیارات ایشان موافق بود و رای هم داد که بگفته ام آمدند شب رختخواب انداختند در مجلس ، یک عده متملقینی که روز قبل ایشان خبر نداده بودند که کردند که چرا بامام خبر ندادیم که ما هم باینجا اینجا متحصن بشویم برای

مجلس شورای ملی - پرونده مربوط بشرکت جین خراسان که در آن اشاره بانها هم جناب آقای احمد اعتبار وزیر اسبق کشاورزی شده و از طرف دادستان دیوان کشور قبل از افتتاح دوره ۱۰ باره در مجلس رسیده و به کمیسیون عرایض فرستاده بود و در مملکت ماله قرار گرفت با توجه بمقاد گزارش آقای لطفی رئیس بازرسی کل کشور مبنی بر عدم توجه انهام به آقای اعتبار و مفاد پاسخ نامه شماره ۵۷۶۴-۲۹۹۴۲۶ جناب آقای قوام نخست وزیر خطاب بجناب آقای اعتبار و مخصوصاً مکاتبه بین جناب عالی و آقای دادستان کل کشور و شرحی که ذیل پاسخ نامه ایشان مشعر بر عدم لزوم تعقیب قضیه مرقوم داشته اند کمیسیون نظر عالی را تأیید مینماید ، بنابر این راجع بانها هم جناب آقای اعتبار چون کمیسیون عرایض قبلاً اظهار نظر نموده موضوع مخومه محسوب است اما راجع بانها هم مربوط به میر عابدین مقیمی چون کمیسیون اظهار نظر فلان کرده بشرح ذیل اظهار عقیده میشود :

بنده بامیر عابدین مقیمی بنظر قانع کننده و مطابق ادله موجود در پرونده های مربوط باین امر میباشد و گذشته از گزارش آقای اصفه مدیر کل بازرسی کشور وقت که اظهار میکند دقیق شد که قرائتی برای سوه نظر و استعاده ام شروع ایشان بدست بیابوم ، برعکس اوضاع و احوال سادگی و بی نظری اقدامات نامبرده در ذرف اختلاف بوسیله داوریشان میدهد دلالت دارد بر صحت عمل آقای اعتبار و زیر اسبق کشاورزی دلالت موجود دیگر نیز دلالت بر عدم توجه انهام بمشار الیه بالنسبه عدم لزوم تعقیب دارد که خلاصه از این قرار است :

۱- معامله بنده بامیر عابدین مقیمی با توجه بیرونده ارسالی از وزارت دارائی برطبق نامه شماره ۱۷۵۰۶-۲۴۰۲۴۰ بوده که وزیر دارائی و رئیس کل دارائی وقت نسبت ببنده های مورد اختلاف بین تجار و دولت اظهار نظر نموده دستور صریح صادر نموده اند که بنده های مذکور بتجار واگذار شود و در مقابل از آنها وجه گرفته شود ، بنا براین تصقیه اختلاف با آقای میر عابدین مقیمی از طرف وزارت کشاورزی هیچ اشکال قانونی نداشته و مطابق دستور وزارت دارائی بوده است .

۲- وزارت دادگستری ضمن نامه ۶۸۸۹-۱۱-۱۷۰۲۱ بوزارت کشاورزی اعلام نموده که چون ماده ۹ قانون متمم بودجه ۱۳۲۰ در آخر ۱۳۲۰ دیگر قوت قانونی نداشته و تا سیزدهم دیماه ۱۳۲۱ که ماده ۸ منوبور تأیید شده و تصویب قانونی برای تعقیب کفبری وجود نداشته و بملاوه بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ دولت بنده را خریداری نمیکرد و مقداری از محصول بنده تلف و بخورد حیوانات داده میشد در عمل انحصار بنده ای وجود نداشت

و همین جهت و باین ملاحظاتی تعقیب کسی را بعلت صدور حکم تریبه بوسیله محاکم متقاضی نمیدانسته و آخر نامه هم صریحاً اظهار نموده که عمل خریداران بنده را نمیتوان جرم دانست و علیهذا اتهام متسببه آقای احمد اعتبار غیر قابل تعقیب تشخیص میشود ، مخبر کمیسیون عرایض - مصطفی کاشانی ،
نایب رئیس - جناب آقای نخست وزیر فرمائید دارید؟

۶- معرفی آقایان: دکتر سجادی و دکتر اردلان و کاشانی به سمت وزارت دارائی و صنایع و معادن و بازرگانی نخست وزیر - بنده افتخار دارم جناب آقای دکتر محمد سجادی را به سمت وزیر دارائی و جناب آقای دکتر علیقلی اردلان را به سمت وزیر صنایع و معادن و جناب آقای ابراهیم کاشانی را به سمت وزیر بازرگانی مجلس محترم شورای ملی معرفی کنم (مبارک است)

۷- مذاکره در گزارش کمیسیون قوانین دارائی راجع بفروش خالصجات از ماده ۶ نایب رئیس - قانون فروش خالصجات مطرح است بماده ۶ اعلام رأی شده حالا بکفایت مذاکرات رأی میگیریم . آقایانی که موافقت قیام فرمائید (اکثر برخاستند) تصویب شد

مکرم فرمائید بایشان مذاکرات شود بایشان آقای (بشرح زیر قرائت شد) مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی - پیشنهاد میکنم ماده ۶ قانون خالصجات بشرح زیر اصلاح شود .

ماده ۶- عرصه ساختمانهای رعیتی تا هر مقداری که باشد و عرصه پیش باغچه تا میزان یک هزار متر مربع بلاعوض بصاحبان و متصرفین آنها واگذار میشود مشروط بر اینکه در همان ده سکونت داشته باشند مازاد پیش باغچه ها معادل سایر اراضی همان قریه ارزیابی و باسقاط بصرفهین فروخته خواهد شد . اعیانی ساختمانهای رعیتی در دهاتی که متعلق بدولت باشد بلاعوض بساکنین فعلی ساختمانها واگذار خواهد شد .

نایب رئیس - آقای مکرم .

مکرم - قبل از اینکه راجع بپیشنهادی راجع باصلاحات عبارتی که در ماده ۶ که چاپ شده باید بشود توضیح عرض کنم و بعد باصل مطلب برسم . در سطر اول که مینویسد عرصه باغچه ها ، این باغچه ها آنچه را که منظور است تا حدود هزار متر واگذار شود عبارت از پیش باغچه ها است ، اصطلاح محل هم همین است و آن مقدار معینی است که خود رعایا آباد کرده اند و باید بآنها واگذار شود بنابرین در اینجا کلمه پیش باغچه ها را علاوه بر بهترین طرز عملی است که انجام شده و مخصوصاً شرکت تعاونی روستائی که

کشاورزی و مخبر هم موافق باشند چون اصلاح محل است . قسمت دوم مینویسد تا ترتیبی است که بمقدور بنده بساینگاه خالصجات وزارت کشاورزی همان زوره را بگیرند و از نتیجه عمل آنها تجربیاتی که حاصل شده است سرمشقی برای خودشان فرار بدهند و استفاده کنند و آنطور پیش بروند حتی معتقدم اگر تبصره ای هم بپا بنده پیشنهاد کنیم هر کدام از آقایان پیشنهاد کنند که اداره موقوفات پهلوئی هم نظارتی در فروش خالصجات داشته باشند تصور میکنم خیلی بهتر و عملی تر باشد و نتایج بهتری از تجربیات آنها گرفته شود

نایب رئیس - تمام شد آقای؟

مکرم - بله ، دیگر توضیحی ندارم .
نایب رئیس - آقای مخبر بفرمائید

مشایخی - در ماده ۶ گزارش کمیسیون موضوع ساختمانهای رعیتی و باغچه ها مورد نظر است در این ماده پیش بینی شده است که عرصه ساختمانهای رعیتی بدون توجه بمیزان مساحت هر قطعه باشد متعلق به صاحب اعیان خواهد بود بدون اینکه ارزشی برایش در نظر بگیرند و باغچه ها که در دهات احداث شده تا میزان یک هزار متر بلاعوض و مازاد آن بر اساس قیمتی که برای اراضی دایر تعیین شده رعیت پولش را پرداخت نماید (شوشتری - یعنی از عرصه و اعیان؟) از عرصه ، اعیان چیست؟) اعیان عبارتست از ساختمانهایی است که هوا گذار خواهد شد بر بنهاد هر قسمت از مازاد پیش باغچه اگر هر کدام را نگاه کنید باید معادل سایر اراضی که ارزیابی میشود و قیمت معین میشود بآن متصرف یعنی رعیت بفروشد و یک عبارت دیگری که اینجا نوشته شده که بنظر بنده زائد است و مورد ندارد این است که مینویسد مازاد آن در صورت تصویب کمیسیون فروش بآنها واگذار شود وقتی که قانون میگذرانیم تصویب میکنیم یعنی مجلس تصویب میکند که بوجوب قانون آنها را بفروشد ، دیگر اختیار تازه ای بکمیسیون فروش دادن که اگر آن کمیسیون تصویب کرد بدهند و اگر تصویب نکردند بدهند ، این هم مورد ندارد ، بنابرین بنده این جمله را هم حذف کردم . این توضیحاتی که بنده عرض میکنم نتیجه اطلاعاتی است که بنده در موقع تقسیم و فروش املاک موقوفه فریمان از طرف املاک موقوفه پهلوئی در خراسان داشتم و بنظر بنده مهمترین ملکی که تا بعال تقسیم شده همان فریمان است پیش از نصب بزرگی است ، اراضیش هم خیلی وسیع است و تقسیماتی هم که در آنجا کرده اند بامر اعلی حضرت همایون شاهنشاه بهترین تقسیم رعیت داده شود بلکه اگر رعیتی باغچه احدائی در جای دیگر احداث کرده است

منظور اینست که آن باغ هم بآن رعیت واگذار شود با رعایت آن دو قسمت تا میزان یک هزار متر مجازاً و مازاد بر یک هزار متر قیمتش را پرداخت کند . بنابرین نظر کمیسیون جامعتر و به نظر بنده مفیدتر و با مقتضیات اجتماع و با مصلحت رعیت هم منطبق تر است و آقایان هم قطعاً باین موافق ترند (مکرم - عرصه ساختمانهای رعیتی اعم است عرصه فقط اطلاق بمنزل نمیشود) ساختمان کلمه اعم است ، هر چه ساختمان کرده اند ، خانه مسکونی ، بهار بند ، طویله و تمام مستعداتی که رعیت از نقطه نظر سکونت و از نقطه نظر بهره برداری و حفظ سهم زراعتی خودش در آن کرده است ، بدون توجه بمساحت و بدون پرداخت قیمت ، ما بطور اعم گفته ایم که شامل خانه و همه بشود ، راجع باغچه هم تصور میکنم که منظور جناب عالی تأمین شده است و اگر کلمه پیش باغچه بگذاریم باغچه ها حق رعیت نخواهد شد در صورتی که نظر جناب عالی وسیع تر است و بایستی ساختمانها که رعیت احداث کرده تمام مستعداتی او متعلق به خودش باشد (مکرم - بنا بر این موافقت بفرمائید که محدودیت تا هزار متر و تصویب کمیسیون نباشد)

اما راجع بتصویب کمیسیون اینجا یک مطلب حساسی است ، مادر ماده ۳ پیش بینی کردیم که در اراضی فارابی تا میزان ۱۰ هکتار و در اراضی غیر فارابی تا میزان ۱۵ هکتار بهره کشاورزی داده شود ، یعنی حد اکثر مالکیت را ده هکتار ۱۵ هکتار فرار دادیم حال منظور اینست که اگر رعیتی یک باغی احداث کرده بوده تا سی هکتار آیا سی هکتار را باو بدهیم یا همان ۱۰ هکتار را ؟ چون منظور ایجاد خرده مالک است و مالکیتش هم حداکثر تا میزان ۱۰ هکتار در نظر گرفته شده ، اینست که در این ماده بنظر کمیسیون گذاشته شده یعنی میزان ده هکتار حق مشروع و مسلمش است و مازادش اگر چنانچه یک کسی آباد کرده بود این بسته بنظر کمیسیون است باین معنی که کمیسیون توجه کندها که حقیقه ارزش اعیانی این شخص و زحمات و فدا کاری هائی که برای آبادی این باغ متحمل شده کرد و خاشاکی که باین زمین داده بنوعی است که مستوجب است باو واگذار شود کمیسیون اگر مصلحت بداند بیشتر میدهد و اگر مصلحت ندانست نمیدهد (بکنفر از نمایندگان اعیان) راجع باعیان که حرفی نداریم اعیان از نقطه نظر مالکیت مساوی است با عرصه هیچ فرقی نمیکند مالک اعیان دارای همان حدود و همان حقوقی است که مالک هست ، اعیان مال رعیت است صحبت از عرصه است ، عرصه را گفتند پیش از ۱۰ هکتار داده نشود ، اگر چنانچه در این ماده بگوئیم که عرصه باغات بدون استثناء و بدون توجه بمیزان

مساحت متعلق بر رعیت خواهد بود عملاً موجب میشود که یک رعیتی در یک ملک خاصه ای ۵۰ هکتار باغ داشته باشد ، این را موافقتی من تصور میکنم که مصلحت باشد زیرا مصلحت اقتضا میکند که تمام رعایای خالصه بیک میزان بهره مند شوند با اینکه رعیت است که در این ماده پیش بینی شده که نسبت بعرصه باغات ، البته در آن مستتر است که نسبت بمازاد ده هکتار زیرا در ماده ۳ که تصویب فرمودید ، قبول شده حد اکثر سهم کشاورزی ۱۰ هکتار است ، در این ماده که ما گفتیم با نظر کمیسیون برای اینکه کمیسیون اوضاع و احوال را در نظر بگیرد ، اوضاع و احوال محل زراعت و فداکاریهای کشاورزی برای احداث اعیان تمام اینها توجه شود

علیهذا میخواستم از آقای مکرم تقاضا کنم با توجه باین موجبات که باغچه وسیعتر است از پیش باغچه پیشنهادشان را پس بگیرند آقای وزیر هم باین نظر موافقت .

نایب رئیس - آقای صفائی مخالف هستید یا موافق؟ (عبدالصاحب صفائی - مخالفم) مخالف پیشنهاد یا مخالف ماده؟ (صفائی - مخالف پیشنهاد)

نایب رئیس - بفرمائید .

صفائی - بنده تصور میکنم که گاهی وقت زیاد زحمت بیشتری ایجاد میکند یعنی وقت که زیاد تر میکنم که منافع رعایا را بهتر حفظ کنیم بنظر بنده آن وقت موجب میشود که رعایا و کشاورزان بیشتر صدمه ببینند ، جناب آقای مشایخی توجه بفرمائید وقت زیاد در حفظ منافع رعایا اغلب بضرر رعایا تمام میشود و باعث زحمتشان میشود و احیاناً موجب سوء استفاده دیگران واقع میشود همین دلیل بنده با پیشنهاد جناب آقای مکرم با همه ارادتی که بایشان دارم (مکرم - متشکرم) مخالفم و خیال میکنم که از شدت توجه بر رعایا اینجا یک اشکال پیدا میشود بنده اول عرض کنم که موضوع پیش باغچه را مطلقاً قبول ندارم . چون معنی پیش باغچه مجهول است (شوشتری - حریم) اگر حریم لازم است در خانه ، لازم بود که پیشنهاد بفرمائید یا در موضوع - خانه که میگویند عرصه اش مال رعیت است آخر ان اگر عرصه خانه را محدود کنیم بر سرش بنیاد آن بدینست ، اگر عرصه را باو دادیم حریم مال رعیت است آخر این خانه اش است شما توجهی نفرمودید ، این خانه رعیت که میگوئیم عرصه مال اوست تا هر میزان ، اولاً تا هر میزان رعایا که دو هزار متر زیر بنه اند تا حد اکثر یک خانه زیر بنه تا اطاق است و یک طویله این عرصه را وقتی باو بدهید یک متر آنقدر کمتر حق ندارد داشته باشد . آبا خانه حریم نخواهد فکری هم

خانه رعیت را بفرمائید (دولت‌شاهی - حیاط دارد و حیاط جزء خانه است) جناب آقای دولتشاهی من قبول دارم. من و شما یک عرض میکنیم ولی اینجا نوشته عرصه ساختمان و عرصه ساختمان یعنی آنچه زیر بناس و با اطلاق خانه درست در نمیآید از کجا این رعیت عبور کند؟ حریم خانه اش چه میشود و از کجا میآید؟ اگر یک رعیتی یک خانه ای دارد تکلیف فضای اطراف خانه چه میشود؟ فرض اینکه تأمین باغچه یک امر همی است که ممکن است باعث سوء استفاده یک عده ای بشود چون پیش باغچه نه درخت لازم دارد نه ریشه بیونجه. یک باغچه داریم یک باغ داریم یک پیش باغچه. مقصود از پیش باغچه چیست؟ بعقیده بنده چون معنای لغوی و اصطلاحی آن مبهم است اصلاً آن قبول بفرمائید آزادی است. در عرض فکر حریم خانه رعیت را بکنید یک رعیتی که یک خانه ای دارد و تویش نشسته است هشتاد متر، صد متر دویست متر، پنجاه متر این راه عبور میخواید این رعیت چهار تا مرغ دارد توی باغش مگر در دولت آبادی حیاط جزء خانه است) نوشته اند هر عرصه ساختمان من باشد موافقم من و شما یک عرض میکنیم جناب آقای دولت آبادی - ولی عبارت نوشته است عرصه ساختمان عرصه ساختمان زیر بناس (دولت آبادی - حیاط) پس همین است که عرض میکنم بنده هم همان نظریات جنابعالی را عرض میکنم ولی قانون که دست کمسیون تشخیص و مأمور افتصاد میگوید آنچه من بشما باید بدهم عرصه است یک نخ می گذارد از دم دیوارش شروع میکند بفروش بنا بر این از جناب آقای وزیر کشاورزی استدعا میکنم الان یک جمله ای را در نظر بگیرید که خانه رعیت صد متر حریم داشته باشد (مشایخی - معلوم است، مشخص است) کجا معلوم است؟ معلوم نیست. جنابعالی اگر عضو کمسیون تشخیص بودید عرض بنده را تصدیق می فرمودید.

این عبارت ماده ۶ را توجه بفرمائید نوشته است، عرصه ساختمان های رعیتی تا هر میزان که باشد و عرصه باغچه ها تا میزان یک هزار متر مربع (شوشتری - با حیاط متناسب) (مکرم - شما اصلاح بفرمائید) بنده نه دم دارم، نه رعیت دارم، نه خانه رعیتی، عقلم نبرسد آنهایی که دارند پیشنهاد میکنند این یکی پیش باغچه راهم از جناب آقای مکرم استدعا میکنم صرف نظر بفرمائید چون موجب تشکیک میشود خیلی گرفتاری ایجاد میکند. مطلب دومی که بنده اینجا دارم این است که چه در پیشنهاد جناب آقای مکرم وجه در متن قانون نوشته است آنرا متر مال باغچه رعیتی که ساکن در جا باشد دولت مطالب اینجا برای بنده

مبهم است اگر یک رعیتی ساکن آن ده باشد و توی آن ده نشسته باشد یک باغی داشته باشد هزار و پانزده متر این را چکارش میکند؟ (مشایخی - تاده هکتار می دهند) متوجه هستم که تا ده هکتار میدهند مع الوصف اشکال دارد (یک نفر از نمایندگان - هزار متر مجانی میدهند ۱۵ متر را میفرشند) بنده معتقدم عوض این اگر جناب آقای مکرم در این قسمت فکری بفرمائید و پیشنهاد شما را اصلاح بفرمائید بهتر است چون در آن جا هزار متر زمین قیمت ندارد آقایان تصور بفرمائید که هزار متر چند ارزش دارد؟ مثل زمینهای خیابان لاله زار است که متری سه هزار تومان بیارزد؟ (مشایخی - باغات قیمت دارد) ۱۵ تومان قیمتش نیست بنده معتقدم موضوع باغات باغ باید باشد نه باغچه. رعیتی که ساکن یک دهی است هر چه عرصه باغ دارد بدون قید هزار متر باید بر رعیت داد (شوشتری - چون آباد کرده) بنده عقیده ام این است اگر رعیت یک باغ دوازده متری سه هزار متری دارد باید سه هکتار مجانی داده بشود که باغچه را بزرگتر تفاوت قیمت فاحش پیدا میشود. جناب آقای وزیر کشاورزی رهاها باغ دو هکتاری سه هکتاری ندارد اگر باغ دو هکتاری سه هکتاری هست مال مالکین است آقایان کمک بفرمائید که باغ رعایا را مجانی بباشان بدهند و بعدی هم برایش تعیین نکنند. اگر یک کسی باغ سه هکتاری داشته باشد رعیت نیست مالک است.

نایب رئیس - اعلام رأی میشود.

مکرم - بنده با حذف کلمه (پیش باغچه) موافقم که این کلمه را بردارند نسبت به توضیحاتی که جناب آقای صفائی دادند پیشنهاد بنده هم همین است که مازاد بر هزار متر راهم بر رعایا بدهند.

نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد جناب آقای مکرم آقایانی که موافقت قیام فرمائید (عده کمتری برخاستند) تصویب نشد. پیشنهاد دیگری قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد مینمایم تبصره ذیل ماده ۶ اضافه شود:

در میان دو آب مشمولین ماده ۶ در صورتیکه بابت قیمت ساختمانهای رعیتی قبلاً وجوهی بینگاه خالصجات از اول سال ۱۳۳۳ با نظر طرف تأدیه نموده باشند وجوه مزبور بابت اقساط زمین زراعتی که بآنها فروخته میشود احتساب خواهد شد. حمیدیه - دولت آبادی.

نایب رئیس - آقای دولت آبادی (یک نفر از نمایندگان - یک دفعه دیگر پیشنهاد را بغوانید) خودشان توضیح میدهند.

و امیدوارم مورد موافقت جناب آقای وزیر کشاورزی واقع شود بنده یکبار دیگر پیشنهاد رامیخوانم که آقایان توجه بفرمائید (شرح سابق مجدداً قرائت شد)

خلاصه مطلب این است که عرصه میان دو آب خالصه است و یکی دوازده ارخانه آنجا هست که طبق مقرراتی در گذشته به رعایا واگذار کرده اند و پول آنرا هم گرفته اند طبق این قانون بقیه عرصه این خانه ها باید بر رعایا واگذار شود و آنهایی که قبلاً پولی داده اند حقیقه یک خوش ممالکی کرده اند که اگر نداده بودند الان از این قانون استفاده میکردند و آن عرصه با آنها مجاناً واگذار میشد در اینجا آقای حمیدیه پیشنهاد کرده اند که نسبت بآنهایی که مشمول این قانون هستند و حق دارند از اراضی خالصه استفاده کنند آن بویکه بابت عرصه خانه ها داده شده است بابت بدهیشان نسبت باین اراضی احتساب شود (صحیح است) و فکر میکنم اگر آقایان توجه فرمائید این اجرای عدالتی است در باره کسانی که خوش ممالکی کرده اند. (معتبر - قبول است) یعنی در صورتیکه مشمول این قانون باشند بابت اراضی احتساب شود.

وزیر کشاورزی - بنده موافقم.

نایب رئیس - آقای دکتر جزایری مخالفند (دکتر جزایری - بله) بفرمائید

دکتر جزایری - بنده تمام پیشنهاداتی که آقایان محترم روی قوانین میدهند احترام میگذارم. برای اینکه میدانم آقایان با توجه باوضاع و احوال و با عقاید صحیحی که دارند این نوع پیشنهادات را میدهند اما آقایان محترم تصدیق بفرمائید که گاهی موضوعات خارج از اصل مطلب است قانون تقسیم خالصجات است در کمسیون سنایک مشکلی برایش پیدا شده بود و آن این بود که املاک سه دانگ کمتر را نمیخواستند بین رعایا و کشاورزان تقسیم کنند خوشبختانه با کمال توجهی که مجلس شورای ملی فرمودند این مشکل رفع شد پیشنهادات دیگری فرمودند که کم و بیش بعضی از نظر اجراء قانون بسیار مفید بود البته این قبیل پیشنهادات و این پیشنهادی که جناب آقای حمیدیه و جناب آقای دولت آبادی فرمودند بنده که شخصاً اطلاعی ندارم قطعاً پیشنهاد صحیحی است اما ملاحظه بفرمائید غالباً این پیشنهادات رد میشود برای اینکه ما اطلاعی نداریم علاوه نتیجه این پیشنهادات این شده است که یک مطلب اساسی که در مملکت ما آمده است و بعقیده بنده از بهترین قوانینی که مجلس شورای ملی آمده یکی همین قانون تقسیم خالصجات بین کشاورزان است. این هر روز در مجلس معطل میشود و من میترسم که در خارج خدای نکرده سوء تعبیر شود که در مجلس عده ای با این قبیل پیشنهادات میخواهند تصویب این قانون را بتأخیر بیندازند بنا بر

این بنده میخواهم تقاضا کنم که رفقا خودشان توجه بفرمائید پیشنهاداتی که سایر همکاران اطلاع ندارند و بالتبیین رد میشود از دادن این پیشنهاد ها خودداری بفرمائید و اگر از این قبیل پیشنهادات داده شده است آنها را پس بگیرند چون بنظر من این مطلبی که در مجلس گذشت که اصل قانون را تصویب کنیم و پیشنهادات بکمسیون برود اینهم اصل صحیحی بوده بنا بر این بعقیده بنده باید همه پیشنهادات مطرح شود اما کثرت پیشنهادات که بعلت عدم اطلاع همه آقایان نمایندگان غالباً رد میشود باعث میشود پیشنهادهای صحیح آقایان هم که موقعی ممکن است مورد قبول واقع بشود در اینجا مطرح شود و ازین برود و ضمناً وقت هم گرفته شده است بنا بر این استدعا میکنم رفقا توجهی بفرمائید که این قانون زودتر تصویب شود آن مشکل اساسی هم که داشت خوشبختانه در مجلس حل شد و دیگر مشکلی ندارد شاید این مطلب این قانون تمام نشود و زودتر اجرا شود و این سوء تعبیر هم نشود که در مجلس عده ای هستند که نمیخواهند خالصجات بین رعایا تقسیم بشود در صورتیکه بنده خودم دیدم آقایان مالکین هم با کمال حسن نیت رأی دادند و موافقت کردند بنده خودم دیدم که آقایان آذربایجانی ها و سایر رفقاری دادند بنا بر این چون همه نظر موافق دارند استدعا میکنم طوری بفرمائید که با این پیشنهادات کفالیاً بعلت عدم اطلاع آقایان رفقار میشوید این قانون پیش از این بتأخیر بیفتد.

مخبر (مشایخی) - آقای وزیر هم قبول کردند پیشنهاد هم صحیح است.

نایب رئیس - اعلام رأی میشود. رأی میگیریم به پیشنهاد آقای دولت آبادی و آقای حمیدیه آقایانی که موافقت قیام کنند (اغلب قیام کردند) تصویب شد. پیشنهاد دیگری خوانده میشود.

(پیشنهاد آقای دکتر شاهکار شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد مینمایم تبصره ماده ۶ بطرز زیر اصلاح شود:

کلیه بدهی کشاورزان خالصه بابت مساعد و بهره مکانه که زارع و ساکن خالصه هستند و همچنین بدهی کشاورزان املاک و آگذاری که به بنگاه خالصه بدهکار هستند تا سال ۱۳۳۳ بخشوده میشود بفرمائید. آقای شوشتری پیشنهادشاهام در همین زمینه بوده؟

دکتر شاهکار - آقایان تذکر بیکه آقای دکتر جزایری داد بنده هم متوجه این مطلب هستم و قبلاً میخواستم تقاضا کنم از همکاران محترم مخصوصاً از آقای مخبر که وقت بفرمائید پیشنهاد چیست بعد البته برای مجلس شورای ملی محترم خواهد بود در لایحه اینطور نوشته شده است: کلیه بدهی

کشاورزان تا سال ۱۳۳۸ بخشوده است از ۳۳۳ تا سال ۳۳۳ پنجهزار ریال تخفیف داده شود این پیشنهاد که در اصل لایحه است بسیار پیشنهاد خوبی است تاسمی بشود که ناس مأمورین وزارت کشاورزی با زارع و کشاورز قطع بشود و واقعاً این قانون یک صورتی پیدا بکند و نتیجه برای زارع و کشاورز داشته باشد با این استخوان کوچولو که لای زخم گذاشته شده این تماس قطع نخواهد شد زیرا اغلب این قبوض بدهی که الان در دست خالصه است بابت سال ۳۳۲ این همان است که مال سال ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ بوده است وزارت توانسته است بپردازد و تجدید شده است بشرا این دولت آمده است پیشنهاد کرده است تا ۳۲۸ بخشوده و از ۳۲۸ تا ۳۳۳ پنجهزار ریال تخفیف داده شود بنده پیشنهاد کردم که عیناً بش را بقیاش بیخشید یعنی خرج و وصولش بیشتر خواهد شد از برای بدست آوردن یک مبلغی که هیچ است و اسباب زحمت کشاورز خواهد بود (صحیح است) از همکاران محترم استدعا کردم که اینطور موافقت بفرمائید که سال ۶ سال ۷ سال بوسیله تشبث و توسل و برانگیختن وسایلی پرداخت حقوق دولت را بتعویق بیندازم و دیگری سر موعد بپردازد و بعد قانونی از مجلس بگذرد و من که تخلف کرده ام و بد حسابی کرده ام تشویق بکنند

کند تقاضا میکنم که آقایان موافقت بفرمائید (صحیح است)

نایب رئیس - آقایان توجه بفرمائید که بخشش بمنزله پیشنهاد خرج هست یا نیست؟

دکتر شاهکار - بنده پیشنهاد خرج نکردم - ملو کبری از خرج است.

عبدالصاحب صفائی - نگرفتن با خرج کردن دو تا است.

نایب رئیس - آقای دکتر پیرنیا مخالفند بفرمائید.

دکتر پیرنیا - بنده اجازه میخواهم یک توضیح مختصری راجع باین ماده که قبلاً در کمسیون قوانین دارائی هم داده ام بعرض آقایان برسانم جناب آقای دکتر شاهکار هم توجه بفرمائید که چرا اینطور شده است قوانین باید طوری تنظیم شود که یک عده ای که بده عمل کرده اند و بد حسابی کرده اند و پرداخت مبالغی را بدولت بتعویق انداخته اند و روال کارشان صحیح نبوده است اینها مورد تشویق قرار نگیرند و پاداش بآنها داده شود اگر چنین این باشد که بنده ۵ سال ۶ سال ۷ سال بوسیله تشبث و توسل و برانگیختن وسایلی پرداخت حقوق دولت را بتعویق بیندازم و دیگری سر موعد بپردازد و بعد قانونی از مجلس بگذرد و من که تخلف کرده ام و بد حسابی کرده ام تشویق بکنند

و پاداش بمن بدهند این سبب میشود که دیگر هیچکس علاقمند نشود که حقوق دولت را بپردازد و بوقع بدهیهای خودش را بپردازد بهمین جهت در وزارت دارائی اصولاً اگر خاطر آقایان باشد با این بخشودگیهای مالیاتی و بخشودگیهای جرائم همیشه مخالفت میشود برای اینکه این تشویق بد حسابی و تشویق از اشخاص بد حسابست (دکتر شاهکار - این مربوط برارغ است) در بین زارعین هم عده ای هستند که خوش حساب هستند و عده ای هستند که بد حسابند

دکتر شاهکار - ندارند که بدهند

دکتر پیرنیا - بهمین جهت در بین زارعین هم یک عده ای هستند که در آمدشان خیلی زیاد است و متمول هستند یک عده ای هم هستند که حقیقه فقیر هستند آن عده ای که حقیقه فقیر هستند آنهایی هستند که بدمیشان در حدود پنجهزار ریال است بهمین جهت آقایان اصرار کردند که زارعینی که حقیقه فقیر هستند و حقیقه چیزی ندارند آنهایی که بدهی شان پنجهزار ریال است بخشوده شوند و آنهایی که بیش از پنجهزار ریال بدهی دارند و نسبتاً متمول هستند و بعلت تشبث و توسل و بد حسابی و اطمنان باینکه بالاخره یک طوری مالیاتها بخشوده خواهد شد برداشته اند اینها معاف نشوند و مورد تشویق

قرار نگیرند علاوه بر این تا سال ۳۲۸ برای این موضوع بوده است کدر این مدت اگر زارعی توانائی پرداخت داشته حقیقه بوسیله مأمور دولت پرداخت کرده و اگر از سال ۲۸ بعد حقیقه بدهی دارد مال کسانی است که حقیقه توانائی پرداخت نداشته اند و فوق العاده فقیر بوده اند اساس فکری که در این تبصره بوده است این است که مجاداً بد حسابی و ندادن حقوقی که شخص باید بصورت مالیات یا بطور حق دولت بپردازد این عمل مورد تشویق و پاداش قرار نگیرد.

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانی که موافقت قیام کنند (بجهانی - آقایان این مربوط به زارعین است) (اکثر برخاستند) تصویب شد. پیشنهاد آقای شوشتری شبیه همین است آنگاه بفرمائید؟

شوشتری - بله، بله

۸- تعیین موقع دستور جلسه بعد ختم جلسه

نایب رئیس - فعلاً جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز یکشنبه خواهد بود دستور لایحه فروش خالصجات. (بنجد حقیقه بعد از ظهر مجلس ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - اردلان

سؤالات نمایندگان

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی
 متمنی است سؤال ذیل را برای جواب بوزارت فرهنگ ابلاغ فرمایند.
 وزارت فرهنگ برای جلوگیری از نشریات چاپی خلاف اخلاق و عفت عمومی چرا اقدامی نمیکند.

ارسلان خلعتیری
 مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی
 مستدعی است مقرر فرمایند وزارت کشور بسؤال زیر پاسخ دهد.
 دولت برای ترفیه حال ایلات و عشایر و بهبود وضع آنان تاکنون چه اقدامی بعمل آورده مبالغی که جهت تأمین این من منظور مصرف شده با ذکر موارد اعلام فرمایند.

با تقدیم احترامات فائمه صلوات انمراد بختیار
 مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی
 متمنی است سؤال ذیل را برای

جواب بوزارت فرهنگ ابلاغ فرمایند.
 وزارت فرهنگ از نظر اخلاقی و سیاسی نسبت به محصلین ایرانی در ممالک خارجه اعم از محصلین دولتی و غیردولتی چه نظارتی دارد.

ارسلان خلعتیری
 ریاست محترم مجلس شورای ملی
 خواهشمنداست مقرر فرمایند دولت و وزارت دادگستری در مدت مقرر جواب سؤال ذیل را بدهند.

بقرار اطلاع اراضی فرح آباد اصفهان را که فعلاً محل تأسیسات نظامی لشکر آن استان است و در قدیم قصر سلاطین صفوی بوده و از آن تاریخ بعد همواره در تصرف دولت و مرکز قشونی بوده است عدهای از متنفذین و زمین خواران بنام خود ثبت نموده و اداره ثبت اصفهان برخلاف مقررات و با وجود تذکر لشکر اصفهان و تصرفات قطعی آنها در آن اراضی ورقه مالکیت بنام تقاضا کنندگان صادر نموده است در صورتیکه قسمت اعظم مراکز قشونی اصفهان و بناهای مفصل لشگری در آن اراضی میباشد و تاکنون کارمندان و مسئولین اداره ثبت اصفهان و شرکاء جرم آنها که چنین عمل خلاف قانونی کرده اند مورد تعقیب قانونی قرار

نگرفته - علت بی توجهی وزارت دادگستری که موجب تجری کلیه خطا کاران است چیست خواهشمنداست جریان امر را با اطلاع برسانند.

دکتر شمس الدین جزایری
 ریاست محترم مجلس شورای ملی
 خواهشمنداست مقرر فرمایند در موقع مقرر دولت و وزارت دارائی جواب سؤال ذیل را بدهند.

چه شده است که از چندین پیش باین طرف عدهای از کارمندان ناشایسته بانك جسورانه پولهای بانكها را بسرقت برده و سارقین را مجازات شدید که موجب عبرت دیگران باشد نمی نمایند و در نتیجه علاوه بر آنکه وجوه عمومی مردم از بین میرود عدهای از افراد بی ایمان رانیز تشویق میکنند که باین اعمال ادامه دهند

مسئول این امور کیست و برنامه دولت برای جلوگیری از این قبیل سرقتها چیست و چگونه میخواهند سارقین را مجازات کنند؟

دکتر شمس الدین جزایری
 ریاست محترم مجلس شورای ملی
 خواهشمنداست بجنابان آقایان وزیر دادگستری و وزیر اقتصاد ملی اطلاع دهند

که برای پاسخ سؤال زیر در مجلس شورای ملی حضور بهم رسانند.

قرار داد معادن سرب و مس انارک که بر اثر تغلفات شرکت مولد از تحویل مس و سرب مورد نیاز ارتش فسخ و بهره برداری آن بینگاما اکتشاف و بهره برداری معادن سازمان برنامه واگذار گردیده و شورای عالی معادن که تنه امر جمع صلاحیت دار قانونی میباشد فسخ آنرا تأیید و واگذاری آنرا بینگاما اکتشاف تجویز نموده است در اثر شکایت شرکت مولد و موضوع در شعبه ۸ دادگاه شهرستان تهران مطرح و دادگاه مزبور رأی ببقانیت دولت دادولی شعبه دادگاه استان معلوم نیست با چه مجوزی برخلاف واقع رأی بدوی را وارد ندانسته و رأی بر علیه دولت و تحویل معادن بشرکت مولد داده است.

اولاً وزارت دادگستری چه اقدامی نسبت به تعقیب قضات متخلف نموده است.
 ثانیاً وزارت اقتصاد ملی جهت تأمین منافع دولت و تأمین سرب و مس ارتش چه اقدامی خواهد نمود.
 با تقدیم احترامات - سید شمس الدین قنات آبادی